

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه هشتاد و ششم، ۱۳ اسفند ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بوسه/ربا/ربای در قرض در آیات و کلمات فقها

### 1- حدیث اخلاقی (درخواست تزکیه نفس از خداوند)

#### 1.1- برنامه ریزی برای قرائت زیاد سوره شمس در ماه رجب

روز چهارشنبه و روز آخر درسی است. ماه مبارک رجب، ماه سیر و سلوک و ماه برنامه‌ریزی برای تزکیه و تسویه نفس است؛ ان شاء الله؛ شهر ولایت است و اولیای الهی هم، کمک‌کار انسان هستند. انسان اگر حرکت کند، حضرت حق، برکتش را به او عنایت می‌کند؛ ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ [1]. برنامه‌ریزی کنید در این ماه، سوره مبارکه شمس را زیاد قرائت کنید؛ هر روز اگر قرائت کنید، باعث نورانیت مخصوص می‌شود.

#### 1.2- مراقبت از نفس، سبب الهام فجور و تقوا

﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾؛ [2] حدود ۱۱ قسم در این سوره هست. آخرین آن، قسم به نفس و آن چه باعث اعتدال و تسویه آن است؛ ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا﴾؛ [3] تسویه، حالت اعتدالی است که در اخلاق می‌گوییم صاحب عدالت، حکمت و طمأنینه می‌شود. ﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾؛ [4] اگر برای نفس‌مان برنامه‌ریزی کنیم، خوبی‌ها و بدی‌ها به ما الهام می‌شود؛ مرحله هدایت است. هدایت حسی داریم و هدایت عقلی و هدایت وحیی. خداوند، عقل ما را وسیله هدایت درونی ما قرار داده است؛ برای اولیای الهی، ﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ [5] قرار داده است.

#### 1.3- برنامه‌ریزی انس با این سوره، برای خود و خانواده

باید برای خودمان و برای متعلقین و خانواده‌مان برنامه‌ریزی کنیم؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ﴾؛ [6] هم مأمور به هدایت نفس‌مان هستیم و هم نزدیکان‌مان.

#### 1.4- سوره و آیه‌ای که پیامبر ص را پیر کرد

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ﴾، [7] هم در سوره هود است و هم در سوره شوری؛ [8] در سوره شوری فرمودند «شیبتهی سوره شوری»؛ بلکه فرمودند: «شیبتهی سوره هود لمکان هذه الآية [9].» «فاستقم كما أمرت»؛ چرا که در سوره هود، ﴿وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ [10] دارد. من و شما، هم مأمور به مواظبت خود هستیم و هم مواظبت و مراقبت کسانی که با ما مراوده دارند.

## 1.5- تسویه و اعتدال نفس، عامل فلاح و رستگاری

در مراقبت از دیگران، به خصوص از کسانی که اصحاب و همراز ما هستند، علم جواب نمی‌دهد؛ علم، کارایی ندارد؛ باور، کارا است و رفتار و عمل و تسویه و اعتدال، کارایی دارد - حدیث نفس دارم - اگر تسویه آمد، به تقوا و فلاح می‌رسیم؛ ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ [11]. این‌ها، مقدمه این فرمایش رسول مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است؛ ایشان برای قرائت سوره «و الشمس»، برنامه داشتند.

## 1.6- دعاهای معصومین علیهم‌السلام، هنگام تلاوت قرآن

شما می‌دانید ائمه ما علیهم‌السلام، برای قرائت برخی آیات برنامه داشتند؛ هر وقت می‌خواندند: «یا ایها الذین آمنوا»، می‌گفتند: «اللهم لبیک»؛ [12] چیز مهمی است؛ خطاب «یا ایها الذین آمنوا» را پاسخ می‌دادند.

## 1.7- دعای پیامبر ص بعد از تلاوت سوره شمس

رسول مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، برای قرائت سوره «و الشمس»، برنامه داشتند. خدا رحمت کند مرحوم طبرسی را - از مجمع البیان غفلت نکنید و دم دست‌تان باشد و بخوانید و دقت کنید؛ واقعا جامع است. - نقل فرمودند: رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله وقتی سوره «و الشمس» می‌خواندند، برای آن دعای خاص داشتند. - دعا، یعنی تمثیل و تجسم آیات الهی.

مستحضرید در آن روایت از حضرت امام صادق علیه‌السلام که از ایشان سؤال کردند: دعا کنیم، بهتر است و یا قرآن بخوانیم؟ فرمودند: «و الدعاء أفضل [13]». «دعا بخوانید؛ این، معنایش این نیست که قرآن نخوانید؛ آیات الهی را بگیرید، در نفس‌تان پیورانید و حال خواسته داشته باشید. در دعای ماه رجب می‌خوانیم: «يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً [14]». گاهی کسی که سوال نمی‌کند، دریافتش بیشتر است. ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ - [15]. این دعا و خواسته را هنگام قرائت سوره «و الشمس»، می‌خواندند: «اللهم آت نفسي تقواها؛ أنت وليها و موليتها؛ و زكها و أنت خير من زكيتها [16]».»

خدایا نفس من، تقوایش را عنایت کن؛ هیچ نفسی، بی‌تقوا نیست؛ هیچ نفسی، بی‌مواظبت نیست؛ این مواظبت را باید شروع کند. استعداد، برای همه نفوس هست؛ تقوا، نهادینه همه نفوس است؛ تجلی و جلایش و به فعلیت رساندنش، کاری است که انسان باید شروع کند. رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان نفس رسول و پیامبر، تقوایش را از خدا می‌خواهد.

## 1.8- تقوای هر نفسی، به حسب خودش است

تقوای هر نفسی هم، به حسب خودش است؛ نفس رسول الله صلی الله علیه و آله، یک تقوا، نفس ولی، یک تقوا و من و شما، یک تقوای خاص می خواهد.

تمثلات ابدان اخروی ما هم، به تقوای نفس ما است، نه به نفوس ما؛ وقتی نفوس ما تقوا به خودش اختصاص دهد، تمثل را دریافت می کند؛ با اضافه نفس به خودش؛ تو مولی و ولی من در دنیا و آخرت هستی؛ ﴿أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ [17].

«و زگها و أنت خیر من زکیها»؛ تو بهترین مزکی نفس هستی؛ نفس مرا پیروان.

## 1.9- ضرورت توسل به معصومین علیهم السلام، برای رسیدن به تقوای نفس

در تقوای نفس، نیاز به وسیله داریم؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ [18]

اینجا است که هم خطاب به مؤمنین است و هم امر به تقوا است و هم اینکه انسان باید وسیله خودش را بردارد؛ هم اینکه جهاد باید داشته باشد؛ خطاب به مؤمنین، با سه امر تقوا و انتخاب وسیله و جهاد فی سبيله.

حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: «نحن وسيلته في خلقه [19]». «ما اگر نفس مان را بخواهیم پیروانیم، باید توسل و تمسک به اهل بیت علیهم السلام داشته باشیم. روزی بر ما نگذرد که توسل به اهل بیت علیهم السلام نداشته باشیم؛ این را نهادینه کنید. خواجه نصیر، دعای توسل داشت. هر روز توسل داشته باشیم، ولو به یک سلامی باشد. از همین ماه رجب و از همین امروز که در اواسط ماه رجب هستیم، مراقبت را با توسل کامل کنیم. این «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَ لَكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ [20]» در تعقیبات مشترک، خیلی خوب است. دعای توسل را بخوانید. روزانه قرائت سوره یس داشته باشید و هر روز به ولی ای تقدیم کنید، به خصوص به امام زمان عجل الله فرجه الشریف. ملاک، «و ابتغوا إليه الوسيلة» است. وسیله کامل شد، نتیجه کامل می شود؛ تا وسیله نباشد، نتیجه نخواهد بود. ان شاء الله به برکت سوره شمس و حالات نبی معظم صلی الله علیه و آله و گستردگی نفس ایشان و بسط تقوای ایشان، به تقوا و تزکیه نفس برسیم و ان شاء الله حالات مان را در وجودمان و زندگی مان، پیاده کنیم.

## 2- خلاصه جلسه گذشته

در ادامه مباحث بورس و تجارت‌های جدید به این نتیجه رسیدیم که تجارات، بسیط بود؛ گسترده شد. به نظر ما شارع مقدس، معاملات معهوده ندارد؛ بلکه معاملات محدودده دارد؛ خاص به خودش نیست؛ ما قائل به حقیقت شرعیه در معاملات، نیستیم؛ حقیقت عرفیه و لغویه را قائلیم. زمان و مکان در بسط معاملات، مؤثر است. از معاملات کالا به کالا شروع شد، تا وسیله مبادلات، طلا و نقره شد؛ بعد که در زمان ما هم هست، اوراق و پول شد. الآن تحولی که رخ داده این است که پول هم، جای خود را به اعتبار می‌دهد. ما پول را اعتبار می‌دانیم؛ اعتباری که پشتش تأیید و پشتوانه عقلایی است؛ پشتوانه عقلایی، اعم از اینکه دولت‌ها حمایت کنند و یا عقلایی اعتبار کنند؛ بین عقلای منطقه‌ای و غیر آن، فرقی نمی‌گذاریم. قبلا بود، الآن هم شاید باشد که برگه‌ای با رنگ خاصی در بازار خاصی، مورد معامله قرار می‌گیرد و ارزش برای آن قائل هستند، ولی جای دیگر ارزش ندارد؛ برخی علما، برگه نان می‌دادند؛ علامت مهری بود که هر نانوایی، نمی‌گرفت؛ آنها که طرف قرارداد بودند، می‌پذیرفتند؛ حکم نان داشت. اعتبار عقلایی، ارزش می‌دهد. کارت‌های اعتباری و ارزهای دیجیتالی جدید که با مزرعه تولید می‌شود که خیلی حرف به وجود آورده است، اگر اعتبار عقلایی داشته باشد، مشکلی ندارد؛ حواله می‌شود و امضا و رسید دارد؛ چه اشکالی دارد.

در بحث ربا گفتیم: ربای معاوضه‌ای و معامله‌ای داریم. در معاوضه‌ای گفتیم: کالا به کالا است و زیاده دارد؛ ربای معاوضه‌ای، باید مکیل و موزون باشد.

### 3-قسم دوم ربا: ربای قرضی

#### 3.1- در ربای قرضی فرقی بین مکیل و موزون با معدود نیست

نوع دیگر ربا که خیلی رایج است و در زمان نزول آیات الهی هم رایج بود، ربای قرضی است. در ربای قرضی، فرقی بین مکیل و موزون و معدود نیست.

#### 3.2- در ربای قرضی فرقی بین عین و منفعت نیست

وام و پولی را می‌دهد و در قبالش منفعتی می‌برد؛ جنسی، خدمتی، عینی یا چیز دیگری دریافت می‌کند؛ فرقی ندارد اعتبار، پول، خدمت یا هر چیز دیگر باشد. زمان قدیم، کتابت داشتند و کتاب را می‌نوشتند. منفعت خانه را می‌دهد، و می‌گوید: انتفاع از عین، یا اجاره فلان چیز یا فلان جنس را با تو معامله می‌کنم. ربا، در هر یک می‌تواند باشد. خطرات ربای قرضی، از ربای معاوضه‌ای به مراتب بیشتر است. فروش استقراضی، اگر در ربای قرضی بیفتد، شکی در حرمتش نیست. یک روز باید راه برون‌رفت از ربا را بگوییم ان شاء الله.

#### 3.3- ادله حرمت ربای قرضی

### 3.3.1- آیات و روایات

آیه ﴿وَإِنْ تُبْتِئُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ [21] که قبلا برای حرمت ربا گفتیم، شأن نزولش ربای قرضی است. عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه وآله، مبتلا به این ربا شد؛ حضرت آن را باطل کردند [22].

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيهِ الصَّدَقَاتِ﴾؛ [23] چون در مقابل صدقه است، مراد ربای قرضی است. شأن نزول آیات بر اساس آنچه رایج در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله بود و یهودیان مدینه مبتلا بودند، ربای قرضی بود. همین آیات و روایات ربای قرضی، مؤید است بر اینکه شارع، محدد است، نه مؤسس. ربای قرضی، در یهودیان مدینه جاری بود؛ شارع مقدس، نفی کردند. اینکه ده من گندم بگیرد و یازده من، تحول بدهد.

### 3.3.2- اقوال فقها

گفتیم مرحوم صاحب جواهر نیز، نظرشان این است که ربا، منحصر به بیع نیست و در غیر آن هم، ساری و جاری است.

کلمات فقها هم در مسأله ربا، مصرح است. روایات و سائل را هم، عرض کردیم.

#### 3.3.2.1- قول حضرت امام رحمه الله

حضرت امام رحمه الله در تحریر از مسأله ۹ تا ۱۳ مبحث ربای قرضی را مطرح فرمودند؛ ایشان معتقدند در ربای قرضی و وامی که تبدیل به ربا می شود، شرط زیاده است [24]. گفتیم در ربای معاوضه، باید وحدت جنس باشد و مکیل و موزون هم باشد، ولی ربای قرضی، وحدت جنس و کیل و وزن ندارد؛ مثلا فرش زیر پای ما، معدود است، ولی اگر زیاده بگیرد، حرام است؛ فرقی ندارد این سود، یک درصد باشد، یا ده درصد. برخی روایات را خواندیم که ده درهم یا یازده درهم باشد؛ یازده، دوازده را ملاک درصدبندی می گفتند. همچنین فرقی ندارد سود درصد، بهره ای باشد و یا درصد عینی، یا منفعتی باشد و یا انتفاع، یا خدمت باشد؛ دامنه ربای قرضی، گسترده است؛ همین که قید زیاده داشته باشد، اشکال دارد.

ابن قدامه در المغنی، ادعای اجماع بر حرمت ربای قرضی دارد [25].

#### 3.3.2.2- قول علامه رحمه الله

علامه هم در تذکره می‌فرمایند: «یشترط فی القرض ان لا یجر المنفعة بالقرض، لان النبی صلی الله علیه وآله، نهی عنه»؛ صحیح نیست، سالم بدهد و ناقص تحویل گیرد. گندم مرغوب بدهد و نامرغوب بگیرد [26].

#### 3.3.2.3- قول صاحب جواهر رحمه الله

جواهر: «و علی کل حال، فشرط القرض الاقتصار علی ذکر رد العوض فقط؛ علی أنه لو شرط النفع، حرم الشرط بلا خلاف فیه؛ بل ربما قیل: إنه اجماع المسلمین؛ لأنه ربا»؛ [27] قرض، همین است که بگوید عوض را به من بده؛ همین که شرط نفع کند، این حرام و ربا است؛ حالا این شرط نفع، به هر جهتی که باشد، حرام است؛ شرط زیاده، به منفعت باشد، به خدمت باشد، به ردائت و جید بودن و مرغوبیت باشد، به هر جهتی که باشد حرام است.

#### 4- نتیجه

نتیجه اینکه ربای قرضی، به صرف منفعت بیشتر حرام می‌شود؛ چه مکیل و موزون و چه نسبت به شرایط دیگر.

---

[1] انشاق/سوره ۸۴، آیه ۶.

[2] شمس/سوره ۹۱، آیه ۱.

[3] شمس/سوره ۹۱، آیه ۷.

[4] شمس/سوره ۹۱، آیه ۸.

[5] نحل/سوره ۱۶، آیه ۱۶.

[6] تحریم/سوره ۶۶، آیه ۶.

[7] هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۲.

[8] شوری/سوره ۴۲، آیه ۱۵.

[9] صحیفه امام، الخمی، السید روح الله، ج ۲، ص ۴۷۹.

[10] هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۲.

- [11] شمس/سوره ٩١، آيه ٩ و ١٠.
- [12] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٨٢، ص ٣٤.
- [13] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٨٢، ص ٣٢٦.
- [14] كليات مفاتيح الجنان، قمى، شيخ عباس، ج ١، ص ١٣٧.
- [15] ضحى/سوره ٩٣، آيه ١٠.
- [16] مجمع البيان في تفسير القرآن - ط مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، الشيخ الطبرسي، ج ١٠، ص ٣٧٠.
- [17] يوسف/سوره ١٢، آيه ١٠١.
- [18] مائده/سوره ٥، آيه ٣٥.
- [19] فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى(ص)، الرحماني الهمداني، أحمد، ج ١، ص ٢٦٥.
- [20] كليات مفاتيح الجنان، قمى، شيخ عباس، ج ١، ص ١٦.
- [21] بقره/سوره ٢، آيه ٢٧٩.
- [22] مجمع البيان في تفسير القرآن - ط مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، الشيخ الطبرسي، ج ٢، ص ٢١٠ و ٢١١.
- [23] بقره/سوره ٢، آيه ٢٧٦.
- [24] تحرير الوسيلة، الخميني، السيد روح الله، ج ١، ص ٦٥٣ - ٦٥٥.
- [25] المغني، ابن قدامة المقدسي، ج ٤، ص ٣.
- [26] تذكرة الفقهاء - ط القديمة، العلامة الحلي، ج ٢، ص ٦.
- [27] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ٢٥، ص ٥.